

پادشاه و اطرافیان آن نسبت داده است. (گفت
امیر نصرین احمد) مهرگان هری بخوریم و برویم) و به
همین جهت آیا بهتر نیست که همانند جمله دوم، معنی
جمله اول را چنین بگیریم که: چهارپایان از گیاه و
عولفه‌های بهاری، به طور کامل بهره‌مند شدند.

و - و حجاج و افحوان در دم شد. ص ۴۸

افزون بر توضیحات آمده در بخش دوم، آیا بهتر
نیست منظور از «دردم شد» را، خوشبو شدن و رسیدن به
مرحله اوج خوشبویی، بگیریم، در حالی که هر دو گل از
نظر خوشبویی مشهور هستند.

برچشم‌های ازرقی بوسه داد، و زر خواست پانصد
دینار، و در دهان او می‌کرد تا یک دُرُست مانده بود و به
نشاط اندر آمد و بخشش کرد. ص ۵۹

در بخش دوم آمده است: درست: سکه تمام عیار،
درهم و دینار و زر مسکوک تمام عیار و شاهی هم از
حافظ آورده‌اند. با این توضیح معنی کل جمله چه
می‌شود؟ و منظور چیست؟

جمله این اشعار بر آن پادشاه خواندند و او بشنید
که بر هیچ موضع او گرم نشد. ص ۶۰

«بر هیچ موضع» در این جا، آیا معنی به هیچ وجه
نمی‌دهد؟

و به جای خویش بنشستم، و چون دوری چند در
گذشت. ص ۶۶

در معنی «دوری چند در گذشت»، آمده است: یعنی
جام شراب چند دور در مجلس گشت. قیاس شود با بیت
الا یا ایها الساقی ادرکاساً

هان ای ساقی جام را بگردان...

در ص ۲۰۵ درباره «مجلس خواستن» مطالبی آمده
است. باید گفت اسناد مینوی در پاورقی کلیله و دمنه با
استقصاء تمام از متون قدیمی اشاره کرده‌اند که لفظ
بحل کردن در طول چندین قرن به کثرت استعمال در
فارسی عامیانه و محاوره بدل به «ول کردن» یعنی
رها کردن و آزاد گذاشتن شده است.^۴

گفتند ای خداوند اختیاری نمی‌یابیم. گفت:

«بجویید»

این دو جمله چرا توضیح داده نشده است؟ در حالی
که اختیار اصطلاح نجومی است و نیاز به توضیح دارد و
جمله دوم هم دارای ابهام است.
غلط‌های چاپی:

ص ۳۸ فَوْضنا باید فَوْضنا باشد

ص ۱۵۵، ش ۹۲ سطرهای آخر - عزارای به جای
عزاداری.

ص ۶۷ ش ۴۶۸، رویت - باید رویت باشد

ص ۸۳ ش ۵۱ - باش - باید «باشد» باشد

ص ۷۰ مجسطی شفا، شماره گذاری شده ولی در
بخش دوم توضیح داده نشده است.

موارد آخر این که چرا درباره بعضی از کلمات و اعلام
توضیحی داده نشده است مثل کلمات «شرابین»، دینار
اوج (اصطلاح نجومی)، و نسبت «عیاری» به فرخی
سیستانی و یا این که چرا درباره «خیام یا خیامی» هیچ
مطلبی نیامده در حالی که در این زمینه حتی کتاب
مستقلی هم تألیف شده است که بعضی مطالب آن
کتابها مستند به چهار مقاله است.^۵

یادداشتها

۱- اورشیری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز
۱۳۷۱، ص ۳۰۷.

۲- همان و مقایسه شود با زرین‌کوب، عبدالحسین، جستجو
در تصوف ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷،
ص ۱۵.

۳- زرین‌کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران،
ص ۶.

۴- ابوالمعالی نصرالله منشی، کلیله و دمنه، تصحیح و
توضیح مجتبی مینوی طهران، امیرکبیر، چاپ سیزدهم ۱۳۷۴
ص ۲۲۱.

۵- محیط طباطبایی، خیامی یا خیام، انتشارات ققنوس
۱۳۷۰ و قس با صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد
دوم، انتشارات ابن‌سینا، چاپ ششم، ۱۳۵۲، صص ۵۲۴ - ۵۲۵.

سخت نیکوست ولی ...

۷ گفت و گو

به کوشش رسول آبادیان

انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۷۹

مجموعه مصاحبه‌های رسول آبادیان
(داستان‌نویس و روزنامه‌نگار) با برخی از اهالی قلم به
تازگی در کتابی با عنوان ۷ گفت و گو راهی بازار کتاب
شده است. این کتاب شامل گفت و گوهایی با: هوشنگ
گلشیری، شهریار مندی‌پور، ابوتراب خسروی، سیمین
دانشور، منصور اوجی، عمران صلاحی و محمود خوافی
است. آبادیان، در مقدمه کوتاه خود متذکر شده است که
این گفت و گوها قبلاً در مطبوعات (روزنامه‌ها) به چاپ
رسیده و باز تأکید دارد که «سعی شده تا دید ژورنالیستی
محض بر کارها حاکم نباشد بلکه مسائل روز در ادبیات
نیز مورد ارزیابی و کندوکاو قرار گیرد.»

پس از ورق زدن اجمالی به نکاتی برمی‌خوریم که
ذکر آن خالی از لطف (و عریضه) نیست:

□ چرا این هفت نفر انتخاب شده‌اند؟ و مثلاً
منصور اوجی (شاعر) و عمران صلاحی (طنزپرداز) و
هوشنگ گلشیری (داستان‌نویس) را چه ویژگی‌هایی به
هم نزدیک کرده است؟

□ گفت و گوها یکدست نیستند: مثلاً وقتی گفت و گو
با ابوتراب خسروی را می‌خوانیم، در کنار نگاه
ژورنالیستی مصاحبه‌کننده، زاویه دید نقادانه یک
داستان‌نویس را نیز به خوبی درک می‌کنیم. اما مثلاً
گفت و گو با مرحوم گلشیری را که می‌خوانیم، با
گفت‌وگویی صرفاً ژورنالیستی که بیشتر جنبه خبری
دارد تا تحلیلی، مواجهیم.

□ در میان این «هفت نفر» تنها منصور اوجی است
که شاعر است و عمران صلاحی نیز به عنوان طنزپرداز
مصاحبه شده است. در این دو مصاحبه - که به عدم
یکدستی مجموعه نیز دامن می‌زنند - به خوبی می‌بینیم
که عدم آشنایی دقیق مصاحبه‌کننده با مقولاتی چون
شعر و طنز باعث می‌شود که سوالات رو به خامی بروند.
در صورتی که در مصاحبه با داستان‌نویس - با وجود
مشکلات و ایرادهای وارد - کمتر جایی به سؤال بی‌ربط
و یا خام برمی‌خوریم.

□ اهتمام «گردآورنده» با هر قصد و نیتی که بوده،
قابل سپاس است چرا که جای خالی این گفت و گوها و
گفت و گوهایی از این دست، در یک مجموعه قابل
دسترس، همواره احساس می‌شود و این می‌تواند قدمی
باشد در این راه، هر چند مشکلاتی نیز داشته باشد.

کاراستن سرو زیپراستن است

بدالله نصراللهی